

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست

۹	پیشگفتار مترجم
۲۳	پیشگفتار
۲۷	فصل اول
۲۷	موسیقی بومیان آمریکایی
۲۹	موسیقی در اندیشه پژوهشگران آمریکایی - اروپایی
۳۷	موسیقی در اندیشه‌ی بومیان آمریکا
۴۶	موسیقی به مثابه یک پدیده‌ی مصنوعی: پراکندگی سازهای موسیقایی
۴۸	سازهای بادی
۴۹	سازهای کوبه‌ای
۴۹	موسیقی بومیان آمریکا چیست ؟
۵۱	فصل دوم
۵۱	تاریخ مطالعات آمریکاییان از موسیقی بومیان آمریکا
۵۳	مطالعات اولیه
۶۲	ورود دولت آمریکا
۷۰	گسترش و پیشرفت پژوهش‌های میدانی
۸۳	فصل سوم
۸۳	فرهنگ و زیبایی شناسی
۸۵	جایگاه محتوا و فرم
۸۹	جهان بینی آمریکا اروپایی - انسان به مثابه نیروی برتر
۹۲	طبیعت انسان
۹۵	مسئولیت اجتماعی
۹۸	جهان بینی بومیان آمریکا - هستی و طبیعت به مثابه نیروهای برتر
۹۹	طبیعت
۹۹	ذات انسان
۱۰۰	رابطه‌ی اجتماعی

Shiraz-Beethoven.ir

فصل چهارم

شما به خودتان احترام نمی‌گذارید. شما به هیچ چیز اعتقاد ندارید، مگر به چیزهایی که در کتاب می‌خوانید. باید بیاموزید که چگونه از چشمانتان بهره ببرید. باید بیاموزید که چگونه می‌توان با چشمان بسته هم جهان را دید.

(بیمن، لوگان، سنکا¹)

واکوندا! در اینجا، من در تهیدستی فرو افتاده‌ام.
واکوندا! در اینجا، من در تهیدستی فرو افتاده‌ام.

(شعری از یک آواز در قبیله اوماها)

من به زبان دیگری سخن می‌گویم، از این روی، مردمانی آن زبان را خواهند فهمید
(ایسی پریش، کاشیا پوما²)

بومیان آمریکا به مثابه فسیل‌های زنده: مطالعات حوزه‌ای و موسیقی

«مدارس شما هر آنچه را بخواهید به شما می‌آموزند؛ آیا چنین نیست؟ به شما یاد می‌دهند که چطور قورباغه و انسان را از یکدیگر تشخیص دهید؛ چطور نام‌های زیبایی برای رفتارهای مردم بسازید؛ و چطور با چشمانتان نوشته‌ها را بخوانید.» سخنانش گل کرده بود. «امروزه کودکان مجبورند به مدرسه بروند تا چیزهایی بیاموزند که از پیش می‌دانسته‌اند! تا گمان کنند که خانواده‌اشان تا چه اندازه کند ذهن و تا چه حد فقیر و بی‌نوا هستند. آنها به متخصص نیاز دارند، به متخصصین سفیدپوست؛ تا به آنها بگویند بومیان آمریکا چه کسانی هستند. خُب؛ شما هم می‌توانید راجع به این موضوع فکر کنید که البته فکر چندان بدی هم نیست. به هر صورت؛ این سفیدپوستان بودند که بومیان آمریکایی را کشف کردند.»³

1 - Beeman, Logan, Seneca

2 - Essie, Parish, Kashia Poma

3 - ECH-I-LS-67

Shiraz-Beethoven.ir

در شمال کالیفرنیا (مانند قبایل پومو و کاروک^۱) مورد استفاده قرار می‌گیرد و شباهت‌هایی هم به کمانه‌های چنگ دهنی دارند. این ساز را با دست چپ نگه می‌دارند، و یک سر آن را در بالای شانه چپ و انتهای راست آن را در دهان جای می‌دهند. ساز را با لب و دندان نگه می‌دارند، در حالی که زه آن در قسمت جلو جای می‌گیرد. زه را با انگشتان دست راست — گاهی با یا بدون ترکه یا ساقه گیاهی — می‌نوازند. انواع گوناگون آن، که بدون دستگاه تشدیدگر^۲ هستند، در میان قبیله اوماها^۳ وجود دارد که همان نوع کمان شکاری است اما با چوب پیکانی آن را می‌زنند (می‌نوازند).

۲. یک قطعه کوتاه که یک سمت آن برآمده و سمت دیگر آن گود است و از چوب ساخته شده و دنبالچه‌ای در انتها یا در دو سو دارد، دارای دو زه است که به حالت کشیده و دراز نواخته می‌شود. این ساز را مانند یک کمان شکار در دست نگه می‌دارند و آن را می‌نوازند در حالی که جهت قرار گرفتن سیم‌ها به جانب صورت نوازنده است. این تنها ساز ساده زهی در میان بومیان شمال آمریکا است که بیش از یک زه دارد.

۳. انواع دیگری از سازهای مخصوص که در مکزیک و کالیفرنیا و در میان قبایل پوئبلو^۴ وجود دارد، سازی است که گوشی‌های کوچک آن در انتهای دسته قرار دارند. بعضی از آنها گوشی‌های کوچک را ندارند. اینها نمونه‌ی ساده‌ای هستند که درازیشان نسبتاً بلند است و شباهتی هم به کمان‌های شکاری ندارند.

۴. از انواع دیگر نوعی ساز است که کمانه‌ی آن روی کوزه یا کدوی واژگونه‌ی بزرگی، به عنوان رزوناتور، ساز تعبیه شده است؛ این سازی است که فقط در مراسم مخصوصی نواخته می‌شود. پراکندگی‌های این ساز در قلمرو قبایل میانه غربی مکزیک است.

1 - pomo & Karok

2 - Resonator

3 - Omaha

4 - Pueblo

Shiraz-Beethoven.ir

می‌پردازد و این هم در حالی اتفاق می‌افتد که انسان با هستی فاصله گرفته و به فضایی بیرون از خود رانده می‌شود. صورت هنرهای عینی مانند موسیقی، ادبیات، شعر، رقص، درام هنگامی در جامعه آمریکا به متعالی‌ترین جایگاه خود می‌رسند که از فعالیت‌های کارآمد خود فاصله گرفته باشند، یعنی اینکه جدا از نیازهای عملی آفریده شوند.

۲- ویژگی بارز یک اثر هنری در آمریکا این است که رفتارهای معینی از الگوها را به کار بگیرد تا بتواند رفتارهای انسانی را توصیف کند. (ر.ک. رادر ۱۹۶۵) انسان تصور می‌کند که در جایگاه متعالی‌ترین نظام هستی قرار گرفته است. پس او چنین می‌اندیشد که تمام پدیده‌های طبیعی باید زیر فرمان بشریت باشند. او می‌خواهد آرمان‌های خود را بر هستی تحمیل کند. به سخن دیگر، ساختار هنر هم می‌بایست سلسله مراتب نوع بشر و برنامه متعالی روابط متقابل انسان‌ها را مد نظر خود داشته باشد. این نمونه‌ای از اراده غربیان در برابر جهان هستی است.

کمدی در نمایش، یکی از مدل‌های هنرهای زیبا در فرهنگ آمریکا است. می‌توان گفت که مفهوم کمدی ترکیبی از برداشت زیبایی و خوش‌بینی است. عمده‌ترین ویژگی به‌کارگیری کمدی در نمایش این است که همیشه بازیگر اصلی یک هدف را تعقیب می‌کند. او، برای آرامش خاطر انسان‌ها، بر کارهای شگفتی چیره می‌شود که همگی از دید انسان غلبه‌ناپذیر است. تصوراتی که در بنیان نمایش کمدی نهفته است این است که هرکس می‌تواند جهان را به هر صورتی که می‌خواهد تعبیر کند. او هم‌چنین می‌اندیشد که قابلیت تغییر کائنات، تفوق انسان بر طبیعت و خوش‌بینی راجع به ذات انسانی را دارد. بهای انسان به نحوی است که قابل قیمت‌گذاری نیست و از همین روی، انسان بسیار ارزشمندانه پیروزی‌های مادی و معنوی را در جهان در پرتو توانایی و شخصیتش به دست آورده است. در این مورد چنین تصور می‌شود که شخصیت‌های ارزشمند می‌توانند جهان را به هر شکلی که بخواهند اصلاح کنند.

چنین نمونه‌ای از نظام بشری، به یک آمریکایی اجازه می‌دهد تا پروژه ایدئلیزه-کردن نقش‌ها و رفتارها را برای خودش طرح ریزی کند.

Shiraz-Beethoven.ir

فصل چهارم

شما به خودتان احترام نمی‌گذارید. شما به هیچ چیز اعتقاد ندارید، مگر به چیزهایی که در کتاب می‌خوانید.

باید بیاموزید که چگونه از چشمانتان بهره ببرید

باید بیاموزید که چگونه می‌توان با چشمان بسته هم جهان را دید.

(بیمن، لوگان، سنکا¹)

واکوندا! در اینجا، من در تهیدستی فرو افتاده‌ام.

واکوندا! در اینجا، من در تهیدستی فرو افتاده‌ام.

(شعری از یک آواز در قبیله اوماها)

من به زبان دیگری سخن می‌گویم، از این روی، مردمانی آن زبان را خواهند فهمید

(ایسی پریش، کاشیا پوما²)

بومیان آمریکا به مثابه فسیل‌های زنده: مطالعات حوزه‌ای و موسیقی

«مدارس شما هر آنچه را بخواهید به شما می‌آموزند؛ آیا چنین نیست؟»

به شما یاد می‌دهند که چطور قورباغه و انسان را از یکدیگر تشخیص

دهید؛ چطور نام‌های زیبایی برای رفتارهای مردم بسازید؛ و چطور با

چشمانتان نوشته‌ها را بخوانید.» سخنانش گل کرده بود. «امروزه

کودکان مجبورند به مدرسه بروند تا چیزهایی بیاموزند که از پیش

می‌دانسته‌اند! تا گمان کنند که خانواده‌اشان تا چه اندازه کند ذهن و تا

چه حد فقیر و بینوا هستند. آنها به متخصص نیاز دارند، به متخصصین

سفیدپوست؛ تا به آنها بگویند بومیان آمریکا چه کسانی هستند. خُب؛

شما هم می‌توانید راجع به این موضوع فکر کنید که البته فکر چندان

بدی هم نیست. به هر صورت؛ این سفیدپوستان بودند که بومیان

آمریکایی را کشف کردند.»³

1 - Beeman, Logan, Seneca

2 - Essie, Parish, Kashia Poma

3 - ECH-I-LS-67

موسیقی و مانا^۱ (نیرو)

دیشب، در حالی که به سوی خانه می‌رفتم، ماشینی که چراغ‌های نور بالایش روشن بود، درست جلو سپر من ایستاد. از نیمه شب گذشته بود، ولگردی تلوتلوخوران به سوی انبوه آهن پاره‌های پشت خانام آمد و با روشن کردن ماشین، مرا از خواب پراند. من تفنگ لوله کوتاه «ام یک» را از پنجره به سوی بیرون نشانه گرفتم و این در حالی بود که اندام مرد رقصانی را در میان مزرعه ذرت می‌دیدم.^۲

در جنوب شرقی آمریکا و به همین ترتیب در مناطق دیگر شمال آمریکا، به موسیقی همچون یک نیرو می‌نگرند.

در این فصل بیشتر به این موضوع توجه می‌کنم که بومیان آمریکا چگونه از نیرو (توانایی) بهره می‌گیرند. برای توضیح این مسئله، از موسیقی تیره‌ی چروکی‌های شرقی استفاده می‌کنیم. علاوه بر این، ویژگی‌های عام موسیقی به مثابه وسیله‌ای برای تغییر صورت نیز بررسی می‌شود.

مانا

مدت زیادی است که مردم‌شناسان مقوله مانا را برای یک نیروی غیرشخصی به کار می‌برند. بیش از یک سده است که نوشته‌های زیادی پیرامون مقوله مانا نوشته شده است. گفته‌های ضد و نقیضی درباره‌ی مفهوم و مواد این مقوله نوشته شده و بحث آن تاکنون ادامه دارد. یکی از مباحث متضاد این است که آیا واژه مانا از زبان پولنزی‌ها گرفته شده یا با مفهوم مانیتو^۳ هندی در ارتباط است. به هر روی، منشأ این مقوله در اینجا ربطی به بحث ما ندارد.

معانی متفاوتی را برای این واژه در نظر گرفته‌اند، معنی‌هایی مانند: نیروی فوق طبیعت، نیروی جادویی، توانمندی روحانی، توانمندی دینی غیرشخصی، مبادی

1 - Mana

2 - (ECH- III - 6)

3 - Manitu

توتمی، توانمندی الهی و معجزه. جی. اچ دربرگ^۱ (۱۹۳۸، ص ۴۸) معادلی برای واژه‌ی مانا در الکتریسیته جستجو کرده است. او واژه مانا را این چنین تشبیه کرده است:

«یک نیروی مجرد از قدرت طبیعت که مانند اتر بی‌شکل است... جلوه‌ی آن همانند الکتریسته است (شاید واژه رادیوم قیاس بهتری برای آن باشد) ... مانند رادیوم، انرژی از خودش ساطع می‌کند و این انرژی هم تا بی‌نهایت می‌تواند گسترش یابد و یا توانایی گسترش داشته باشد، و هر جرقه آن قادر است تا بی‌نهایت اجزاء خودش را بسازد، آن هم بدون اینکه از نیرویش کاسته شود» (۱۹۳۶ ص ۴۸).

این گفته بیشتر به رد قانون دوم ترمودینامیک شبیه است که بسیاری از آمریکایی‌ها به نحوی با آن مشکل دارند. هوبر و ماوس^۲، مقوله‌ی مانا را چنین تعریف می‌کنند که مانا «نه تنها یک نیرو است بلکه یک هستی است؛ هم‌چنین یک عمل است، یک کیفیت است، و یک وضعیت است. به سخن دیگر، این مقوله یک اسم است، یک صفت است و یک فعل است» (۱۹۰۲ ص ۱۰۸ به بعد). مردمان، اشیاء، کردارها همه می‌توانند مانا باشند یا مانا در ذات آنان وجود داشته باشد. مانا، به طور بنیادی نیرویی تأثیرگذار است و تأثیر نفوذش می‌تواند به تمام امور زندگی منتقل شود.

رات بندیکت^۳، ادعا می‌کند که مانا، واکاندا^۴ و مقولات مرتبط با آن اساساً هستی را ثابت می‌کنند که آن هم حاوی «نیرویی عجیب است که مانند ولتاژی کائات را شارژ می‌کند» (بواس، ۱۹۲۳، ص ۶۳۰). این نیرو با استادی تمام کارهای خود را انجام می‌دهد. اینها عقایدی هستند که ادیان از آنها منتزع شده‌اند.

1 - J. H. Driberg

2

3

4

«طلب وحی» می‌گویند.

نیروی که در جایگاه دوم توانمندی پیوتی‌ها قرار دارد، نیروی مداوای بیمار از طریق قدرت‌های غیرمستقیم است و آن را از نیروهای فوق طبیعی دریافت می‌کنند. علاوه بر این، آنها از سال ۱۹۲۰ تاکنون، تجمع‌ها و مراسم مشترکی هم از اعیاد مسیحی و جشن‌های رسمی ایالات متحده برگزار کرده‌اند. مردمان قبایل کیووا پنج بار مراسم روز «ایستر»^۱ [روز به صلیب بستن حضرت عیسی] را برگزار کرده، شش بار جشن سال نو، چهار بار یا شش بار جشن «شکرگزاری»^۲ و دو تا سه بار هم «روز آمریکا» را برگزار کرده‌اند. اعتقادات کیوواها در بعضی موارد با دیگر قبایل متفاوت است، نمونه‌ای از اختلاف این است که، آنان مراسم تجمع برای تدفین مردگان را برگزار نمی‌کنند.

برای شرکت در مراسم، فرد می‌بایست لباس حمام را، که شامل حوله و لباس معمولی برای مردان و دستمال و شال گردن برای زنان است، با خود داشته باشند. رنگ‌آمیزی‌های صورت و بدن قبلاً انجام می‌شده است اما اکنون این رسوم به طور کلی در حال از بین رفتن هستند.

«بانی مجلس»، کسی را به عنوان پیشوا انتخاب می‌کند و یا خودش این وظیفه را به عهده می‌گیرد. پیشوا، غالباً طبل‌نواز، فرد مسئول آتش و در بعضی موارد هم «مردی که کار و بار بخور»^۳ را انجام می‌دهد، با خود می‌آورد. زنان «بانی مجلس»، خیمه‌ها^۴ [تی‌پی - چادرهای مخروطی شکل مخصوص بومیان آمریکا] را

می‌سازند، کارهای دیگر از قبیل تهیه خوراک و تدارک آب برای صبحگاه و تهیه روشن‌های زیتنی را برای محل نشستن انجام می‌دهند. «بانی مجلس» می‌بایست هزینه‌ی برگزاری را تقبل کند، یا اینکه حداقل در پرداخت آن به دیگران کمک کند.

1 - Easter

2 - Thank:

3 - "Cedar

4 - tipi

در آوازهای دوئلی در میان اسکیموها، حریفان رو در روی یکدیگر سخنان خود را با حالت مبارزه شفاهی اجرا می‌کنند. مثلاً یک آواز از قبیله کاریبو^۱ در میان اسکیموها وجود دارد که محتوای اشعار آن، مردی را مورد استهزا و تمسخر قرار می‌دهد. آن مرد نسبت به همسرش برخورد خیلی بد و نامناسبی داشته است. همسر این مرد، خانه را ترک کرده تا با یک مرد آوازه‌خوان زندگی کند. ابیات زیر، از زبان آن زن چنین است:

گفته‌های بی‌چ‌و‌بچ و نجوایی به گوش رسید

راجع به زن و مردی که

با یکدیگر توافقی نداشتند

مشکل آنان راجع به چی بود؟

آن زن که به حق خشمناک و عصبانی بود

لباس پوستین شوهرش را پاره کرد،

قایق باریکشان را برداشت

و همراه بچه‌اش - پارو زنان به سویی رفت

هی - هی

شمایی که این قصه را می‌شنوید!

شما راجع به این مرد چه فکر می‌کنید؟

آیا باید بر او غبطه خورد؟

خیلی عصبانی است، اما

توانش را از دست داده است

در درماندگی غوطه‌ور شده

آیا به درستی مجازات و پادافره خود را پرداخته است؟

این او بود که به طور احمقانه به خود مغرور بود

ستیزه‌جویی را با واژگان ابلهانه‌ای آغاز کرد.

(هوبل، ۱۹۶۱، ص ۹۸)